

،رابرت وانوی ، پیامبران بزرگ، درس ششم

تولد از باکره، پسر اشعیا (اشعیا ۷-۸)

اشعیا ۷ را مرور کنید

ما در حال بحث در مورد فصل ۷ کتاب اشعیا بودیم. در پایان ساعت گذشته مشغول بررسی آیات ۱۳ تا ۱۶ بودیم. به یاد داشته باشید، من اشاره کردم که عموماً سه روش برای تفسیر این آیات توسط مفسران وجود دارد. برخی سعی می‌کنند همه آنها را به وضعیت فعلی جنگ سوریه و افزایش نسبت دهند و فرض کنند که نشانه تولد در آیه ۱۴، فرزندی است که یا از آحاز یا از اشعیا متولد می‌شود. برخی دیگر سعی کرده‌اند کل متن را بر اساس نقل قول متی از این آیه، به تولد مسیح نسبت دهند. متی آن را در مورد مسیح به کار می‌برد. به نظر نمی‌رسد هیچ یک از این دو گزینه، حق مطلب را در مورد جزئیات متن ادا کند، زیرا به نظر می‌رسد در آیه ۱۳، سرزندی برای آحاز وجود دارد. ای خاندان داوود، بشنوید: آیا خسته کردن مردم برای شما چیز کوچکی است، اما آیا خدای مرا نیز خسته خواهید کرد؟ «و آیات ۱۵ تا ۱۶ به وضوح به وضعیت معاصر اشاره می‌کنند، به ویژه آیه ۱۶ - «زیرا پیش از آنکه کودک بداند که از ۱۶ بدی دست بکشد و خوبی را برگزیند، سرزمینی که شما از آن نفرت دارید، از هر دو پادشاهش متروک خواهد شد.» به نظر می‌رسد که نمی‌توان این را به طور خاص به تولد مسیح نسبت داد.

بنابراین این باعث شده است که برخی از تحقق چندگانه یا دوگانه حمایت کنند که در آن متن هم به فرزند معاصر اشعیا و هم به مسیح اشاره دارد. من والتر کایزر را به عنوان نمونه‌ای از این موضع به شما ارائه دادم. این موضوع دیگری را مطرح می‌کند که معنای چندگانه دارد. فکر می‌کنم باید در مورد آن بسیار مراقب باشیم. اما این همچنین سوال معنای اصطلاح «*Alma*» را مطرح می‌کند. در نسخه کینگ جیمز آن را «باکره‌ای باردار خواهد شد» ترجمه می‌کند. اگر این همسر اشعیا است، چگونه می‌تواند در مورد مادر آن فرزندان صدق کند؟ به نظر می‌رسد بهتر است آیات را از یک سو به عنوان کلمات سرزنش‌آمیز برای آحاز در نظر بگیریم: تو نماینده بی‌ارزشی از خاندان داوود هستی، بنابراین جایگزین خواهی شد. از سوی دیگر، این توبیخی برای آحاز است. اما از سوی دیگر، خطاب به مخاطبان متفاوتی است: کلمات تسلی‌بخشی برای مردم خداترس هنوز در آن سرزمین وجود دارد. آیه ۱۳ توبیخی برای آحاز است، در حالی که ۱۵ و ۱۶ تسلی‌بخش برای مردم خداترس آن سرزمین هستند. این موضوع، این دو فکر را با هم ترکیب می‌کند و چیزی است که شما باید به متن بیاورید، و مسلماً این بخش دشوار تفسیر در اینجا است. چیزی که آنها را به هم پیوند می‌دهد این است که بگوییم با این فرض که اگر او در همان سال، در زمان معمول بارداری، به دنیا می‌آمد، آن دو اتفاق می‌افتاد. به عبارت دیگر، این پیشگویی نیست که او در آن زمان به دنیا خواهد آمد، بلکه اشعیا از اصطلاح بارداری به عنوان مبنایی برای اندازه‌گیری زمان استفاده کرده است. با فرض اینکه اگر او در حال حاضر به دنیا می‌آمد، قبل از اینکه به

اندازه کافی بداند که درست و غلط را تشخیص دهد، قبل از اینکه کودک بداند یا بتواند بداند که پادشاهی‌های مهاجم از بین خواهند رفت. من فکر نمی‌کنم که پیشگویی به طور خاص بگوید که کودک چه زمانی می‌آید؛ فرض این است که اگر او در عرض یک سال، قبل از اینکه کمی بزرگتر شود، به دنیا بیاید، پادشاهی‌هایی که شما از رفتن آنها می‌ترسید، از بین خواهند رفت.

. من می‌خواهم کمی بیشتر با این سوال از «*آلما*... پیش بروم» [آلما باکره، اشعیا ۱۴:۷] اصطلاح عبری آنجا «*آلمه*» است، به معنای «اینک باکره‌ای آبستن شده و پسری خواهد زایید.» من فکر می‌کنم این یک ایراد جدی به فهم جزئیات آیه ۱۴ است که به داشتن پسر توسط همسر پادشاه یا همسر اشعیا اشاره دارد. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که همسر آحاز باکره بوده باشد یا همسر اشعیا باکره بوده باشد. در واقع، ما می‌دانیم که اشعیا پیش از آنکه برای رویارویی با آحاز پادشاه بیرون برود، پسری به نام شیعر- یاشاب داشت. خدا در اشعیا ۷:۳ به او گفت که پسرش شیعر- یاشاب را با خود ببرد. حال، تعدادی از مفسران استدلال کرده‌اند که «*آلما*» در واقع به معنای «باکره» نیست؛ بلکه به معنای «زن جوان» است. بنابراین، این اصطلاح ممکن است به همسر اشعیا یا همسر آحاز اشاره داشته باشد. و در واقع، اگر به ترجمه استاندارد اصلاح‌شده اشعیا ۷:۱۴ نگاه کنید، می‌گویید: «اینک، زن جوان باردار خواهد شد.» در نسخه استاندارد اصلاح‌شده، پاورقی وجود دارد که می‌گوید «یا باکره»، اما این در پاورقی قرار داده شده است. اگر به کتاب مقدس انگلیسی جدید نگاه کنید، می‌گویید: «زن جوان باردار خواهد شد.» و هیچ پاورقی وجود ندارد. فقط به همین بسنده می‌کند. بنابراین هرگونه اشاره‌ای به تولد از باکره را کاملاً حذف می‌کند. سوال این است که پس این اصطلاح «*آلما*» به چه معناست؟ بگذارید چند نکته در مورد آن بگویم. اول اینکه، «*آلما*» «کلمه معمول برای» باکره «نیست» «باکره» معمولاً ترجمه یک کلمه عبری متفاوت است، نه «*آلما*». معمولاً کلمه‌ای که به «باکره» ترجمه می‌شود، *بتولا* است. شاید بگویید، اگر *بتولا* اصطلاحی است که معمولاً برای باکره استفاده می‌شود، چرا اشعیا برای روشن شدن موضوع *از بتولا* به جای «*آلما*» استفاده نکرده است؟ به نقل قول خود در صفحه ۱۷، پاراگراف اول بالای صفحه نگاه کنید. این از جلد اول تفسیر سه جلدی ای جی. یانگ بر اشعیا، صفحه ۲۸۸، پاراگراف اول گرفته شده است. یانگ می‌گوید: «در یوئیل ۱:۸ *بتولا* به وضوح یک زن متاهل است. و در متون افسون آرامی بعدی، معادل آرامی *بتولا* به یک زن متاهل اشاره دارد. اگر اشعیا از این کلمه، *بتولا*، استفاده می‌کرد، ما را در سردرگمی رها می‌کرد. ما نمی‌توانستیم دقیقاً بدانیم که او چه در ذهن داشته است. آیا او در آنجا از کسی صحبت می‌کرد که واقعاً باکره بود، یا ترجیحاً کسی را در ذهن داشت که نامزد شده بود، یا کسی که در واقع همسر بود

با توجه به این ملاحظات، به نظر می‌رسد که انتخاب «*آلما*» «توسط اشعیا عمدی بوده است. به نظر می‌رسد که این تنها کلمه در زبانی است که به طور واضح به یک زن مجرد اشاره می‌کند. هیچ کلمه عبری دیگری به وضوح بیان نمی‌کند که کسی که این کلمه به او اشاره می‌کند مجرد است. در نتیجه، هیچ کلمه دیگری برای برآورده کردن الزامات نشانه، مانند آنچه در متن خواسته شده بود، مناسب نبود. هیچ یک از این کلمات دیگر به یک کلمه غیرمعمول اشاره نمی‌کردند. فقط «*آلما*» «روشن می‌کند که مادر» «مجرد بوده است»

پاراگراف بعدی، «اگر مادر زن متأهلی باشد، آیا کودک نامشروع بوده است یا خیر؟ اگر کودک نامشروع بوده، آیا چنین تولدی نشانه است؟» «کل متن، در واقع کل متن کتاب مقدس، این را رد می‌کند. از سوی دیگر، اگر مادر زن خوبی بود، پس تولد غیر عادی و غیر معمولی می‌بود که در آن مادر مجرد و زن خوبی بود. وقتی این واقعیت درک شود، در تمام تاریخ آشکار می‌شود که فقط یک نفر می‌تواند این را پیش‌بینی کند و آن مریم، مادر خداوند، بوده است.

متوجه می‌شوید که یانگ در آنجا بر لزوم استفاده از اصطلاح «*آلما*» «تأکید می‌کند. او بیشتر بر حالت مجرد تأکید می‌کند تا جنبه بکارت در معنای کلمه، نه اینکه این کلمه شامل ایده بکارت «نباشد. اما اگر به کلمه عبری «*آلما*» «نگاه کنید، به نظر می‌رسد اهمیت اصلی آن «مجرد است. اشتباه با بتولا این است که گاهی اوقات به «باکره» ترجمه می‌شود، اما همیشه در مورد یک زن مجرد نیست؛ مواردی وجود دارد که او واقعاً یک زن مجرد نیست. بنابراین اصطلاح «*آلما*» «به یک زن مجرد اشاره دارد. ثانیاً، اصطلاح «*آلما*» «برای اشاره به یک باکره استفاده می‌شود. اگر به آن موارد استفاده نگاه کنید، متوجه می‌شوید که در هیچ موردی او یک زن متاهل نیست؛ همیشه یک زن مجرد است.

حداقل در یک مورد، واضح است که این کلمه به کسی اشاره دارد که نه تنها مجرد است، بلکه باکره نیز هست. این در پیدایش ۲۴ آمده است. اگر به پیدایش ۲۴ مراجعه کنید، داستان ابراهیم است که خدمتکارش را برای یافتن همسری برای اسحاق می‌فرستد. اصطلاحات جالبی در آنجا استفاده شده است. اینک، من «- اگر به آیه ۴۳ پیدایش ۲۴ نگاه کنید، خواهید خواند - این خدمتکار است که صحبت می‌کند کنار چاه آب ایستاده‌ام. و چنین خواهد شد که چون باکره «*آلمه*» «برای کشیدن آب بیرون آید، و من به او بگویم، تمنا می‌کنم، جرعه‌ای از آب کوزه‌ات را به من بنوشان. و او به من گوید، تو بنوش، و من «برای شترانت نیز می‌گشتم. این همان زنی باشد که خداوند برای پسر آقایم مقرر کرده است»

آیه‌ی ۴۳ را بردارید و آن آیه را با اصطلاح «*آلمه*» «در آن ترجمه‌ی کینگ جیمز است این ، که از بتوئیل، پسر ملکه، آیه‌ی ۱۶ مقایسه کنید. اگر به ۱۵ برگردید، خواهید خواند: «اینک ربکا

، همسر ناحور ، برادر ابراهیم، زاده شده بود، با کوزه‌های بر دوش، بیرون آمد. و آن دختر، «یعنی زعره بسیار نیکو منظر و باکره بود»، *بتوله* ، باکره. سپس توجه کنید که *بتوله* چگونه توصیف شده است، «و هیچ مردی او را نشناخته بود». در آنجا ابهام وجود دارد، اما در اینجا این ابهام برطرف شده و به چاه رفت و کوزه‌ی خود را، است وقتی می‌گوید: «او *بتوله* است ، و هیچ مردی را نشناخته بود». پر کرد و بالا آمد

حالا می‌بینید که در این فصل گفته شده که او یک *ناره بوده است ، بتوله و آلما؛* همه آنها ، برای ربکا استفاده می‌شوند و متن کاملاً روشن می‌کند که او مجرد و باکره بوده است. دکتر مگری یاد می‌آید، سال‌ها پیش بیان کرد که چگونه باید کلمه *آلما را تعریف کنم*: او پیشنهاد داد که او مجرد یا زن جوانی در سن ازدواج بوده است. زن جوانی در سن ازدواج، و یکی از ویژگی‌های او باکره بودن است.

حال، سومین نکته، نحوه ترجمه اشعیا ۷:۱۴ توسط ترجمه آلما به عنوان پارتنوس LXX سیتواجینت است. وقتی آنها این را به یونانی ترجمه کردند، سوال این است: آنها چگونه *آلما را فهمیدند* ؟ اگر به سیتواجینت نگاه کنید، متوجه می‌شوید که آنها کلمه *پارتنوس را ترجمه کرده‌اند که معمولاً به عنوان «باکره»* ترجمه می‌شود. اگر به متی ۱، آیه ۲۳ بروید، می‌گوید: «اینک *باکره* باردار خواهد شد»؛ این نیز *پارتنوس است*. حال، برخی استدلال کرده‌اند که این موضوع، قضیه را حل می‌کند، زیرا مترجمان یونانی از کلمه «باکره» استفاده کرده‌اند و این به ما درک روشنی از نحوه نقل قول آن در عهد جدید می‌دهد. بنابراین واضح است که «*آلما*» در اشعیا ۷:۱۴ به معنای «باکره» است. با این حال، به این دلیل که *پارتنوس* نیز مبهم است، بسیار شبیه به *بتولا*. به نقل قول خود در

صفحه ۳۲، پایین صفحه نگاه کنید. این از هری اورلینسکی در مقاله *فرهنگ لغت کتاب مقدس مفسر* در مورد "باکره" گرفته شده است. او می‌گوید: «اینکه *پارتنوس* باکره بوده یا نه، یک موضوع ثانویه است که احتمالاً توسط متن تعیین می‌شود. در واقع، اصطلاح *پارتنوس* به یک زن مجرد اشاره داشت و نام *پارتنوس* گاهی اوقات به صورت افتخاری برای فاحشه مقدس استفاده می‌شد، بنابراین نام *پارتنوس* برای معبد آتن وجود دارد. هنگامی که مسیحیت اولیه اعتقاد به تولد عیسی از باکره را توسعه داد، طبیعی بود که به یک متن اثبات احتمالی در اشعیا ۷:۱۴ اشاره شود که در ترجمه هفتادگانی از پارتنوس و در نتیجه به اصطلاح عبری که به *آلما* ترجمه شده است، صحبت می‌کند. اما چیزی که او در آنجا اشاره می‌کند، همانطور که می‌بینید، این است که *پارتنوس*، دقیقاً مانند *بتولا*، همیشه کاملاً واضح نیست زیرا برخی از کاربردها آن را مبهم می‌کنند.

به معنای باکره بودن است یا خیر، باید توسط *parthenos* توجه کنید که او می‌گوید اینکه آیا متن مشخص شود، و این جایی است که من فکر می‌کنم متن متی نیز مهم است زیرا به متی ۱:۱۸ نگاه کنید. می‌گوید: «تولد عیسی چنین بود: وقتی مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از اینکه با هم در آن متن با آن توصیف *parthenos* ازدواج کنند، از روح القدس آستن یافت شد.» بنابراین وقتی از *parthenos* است. واضح است که *bethulah* استفاده می‌کنید، مانند توصیف در پیدایش ۲۴ برای متی ۱:۲۳ برای نشان دادن بکارت استفاده می‌شود زیرا «قبل از اینکه با هم ازدواج کنند» (بود). توجه کنید، در آیه ۲۵، این موضوع دو برابر روشن شده است. می‌بینیم که «او را نشناخت تا زمانی که پسر نخست‌زاده‌اش را به دنیا نیاورد.» بنابراین هیچ شکی نیست که در متی یک توصیف دوگانه با اصطلاح **وجود دارد**. بنابراین به نظر من در اینجا کاملاً واضح است، در واقع، اشعیا ۷ در آیه ۱۴ *parthenos* از تولد از باکره صحبت می‌کند. به نظر می‌رسد که اطلاق این موضوع به حزقیا، پادشاه بعدی، یا پسر اشعیا، بسیار دشوار است. به نظر می‌رسد که از آمدن مسیح صحبت می‌کند. بنابراین آیه ۱۳ سرزنشی، برای آواز است. قرار است تو جایگزین شوی، و سپس با فرض اینکه کودک در همان سال به دنیا بیاید، آیات ۱۵ و ۱۶ تسلی می‌دهند، نه سرزنش، بلکه تسلی به بازماندگان خدا که او با آنها صحبت می‌کند، بنابراین در آیات ۱۵ و ۱۶ شما یک گذار فکری دارید، اما هیچ ادامه‌ای از سرزنش به آواز وجود ندارد. فقط سخنان تسلی‌بخش به قوم خدا.

صفحه ۱۵ از استنادهای شما، پایین پیشگویی‌های بلندمدت همراه با یک پیشگویی کوتاه‌مدت صفحه، پاراگراف آخر، هسل بولاک در مقاله خود از سال ۱۹۸۷ پیشنهاد می‌کند: «پس از اعلام بلندمدت اشعیا، پیامبر به خطر فوری دیگر، ائتلاف سوری-افرایمی، روی می‌آورد و با پشتیبانی از این پیش‌بینی بلندمدت با یک پیش‌بینی کوتاه‌مدت که توسط معاصرانش قابل مشاهده است، از الگویی پیروی می‌کند که در نوشته‌هایش برجسته است. پیشگویی‌های بلندمدت، اشعیا ۷:۱۴ و ۱۵، مدت زمان زیادی برای تحقق دارند و پیشگویی کوتاه‌مدت، اشعیا ۷:۱۶ است. حال، اینکه آیا آن را بین ۱۵ و ۱۶ یا بین ۱۴ و ۱۵/۱۶ دارند.» با هم بشکنید، به مفسر بستگی دارد.

پسر اشعیا [اشعیا ۸] = [فرزند اشعیا ۷]

در اینجا مشکلات تفسیری دشواری وجود دارد، اما من فصل ۸ را تقریباً به همان روشی که بولاک درک می‌کند، می‌فهمم؛ اینکه یک پیش‌بینی کوتاه‌مدت وجود دارد که تحقق قطعی تحقق بلندمدت را تأیید می‌کند. فکر نمی‌کنم بتوانید کودک فصل ۸ را با کودک فصل ۷ مقایسه کنید، زیرا کودک فصل ۸ به

وضوح پسر اشعیا است. آن کودک از باکره متولد نشده است؛ علاوه بر این، او نام «ماهر-شلال-حاش-باز» (را به او داده است، نه «عمانوئیل». «دو کودک متفاوت وجود دارد. یکی از آنها بلافاصله به دنیا آمد، در واقع، می‌توان گفت سریع‌تر از کودک فصل ۷، زیرا در فصل ۷ آمده است»: قبل از اینکه کودک بتواند بین خوب و بد تمایز قائل شود، شری که با آن روبرو هستید از بین خواهد رفت.» در مورد کودک فصل ۸ آمده است که قبل از اینکه او بتواند بگوید «پدر و مادرم»، احتمالاً زودتر، ظرف یک سال پس از تولد، مهاجمان از بین خواهند رفت. بنابراین پیشگویی فصل ۸ باید کمی دیرتر بوده باشد. این [نیاز] سریع‌تر برآورده شد، اما فرزند دیگری است و نام دیگری دارد؛ مطمئناً مادر آن باکره نبوده است. پسر در فصل ۸ همان فرزند فصل ۷ نیست.

کودک در فصل ۸ هدف مشابهی را دنبال می‌کند. اما به عبارت دیگر، این کار را حتی سریع‌تر از کودک در فصل ۷ انجام می‌دهد. شما کودکی را دارید که ظرف یک سال به دنیا می‌آید تا بتواند بین خوب و بد تمایز قائل شود. سپس به فصل ۸ می‌رسید و کودکی دارید که به نظر می‌رسد قبل از اینکه بتواند بگوید «پدرم» یا «مادرم»، اشاره می‌کند، مشکل حل خواهد شد. آیه ۴: «پیش از آنکه کودک دانش «فریاد زدن» مادر و پدرم» را پیدا کند، ثروت دمشق و غنیمت سامره پیش پادشاه آشور برده خواهد شد به نظر می‌رسد که این زمان کوتاه‌تر از زمان فصل ۷ است. بنابراین دو کودک متفاوت، دو پیشگویی متفاوت و دو زمان متفاوت وجود دارد. سپس می‌توان این تحقق را مشاهده کرد تا تولد یک کودک بتواند به عنوان تأییدی بر صحت پیشگویی دوربرد دیگر مبنی بر تولد کودک توسط یک باکره باشد. به عبارت دیگر، قبل از تولد مسیح، آن پادشاهان رفته بودند. اگر آن را در چارچوب فعلی در نظر بگیرید، به آن افراد گفته می‌شود که ظرف دو یا سه سال مشکل برطرف خواهد شد. این چیزی نیست که آنها می‌توانستند تأیید کنند. آینده‌ی نامشخص بلندمدت با پیشگویی کوتاهمدت قطعی می‌شود.

کودک به عنوان معیار زمان

سوری - افرایمی علیه یهودا یک مشکل کوتاهمدت است و ظرف چند سال برطرف می‌شد. فکر اتحاد می‌کنم آنها این پیشگویی را شنیده بودند که آحاز، ساکن بی‌لیاقت تخت داوود است که قرار است جایگزین شود. اگر کودکی امروز یا ظرف یک سال، قبل از اینکه کودک بیش از چند سال داشته باشد، به دنیا بیاید، مشکل برطرف می‌شود. تولد کودک صرفاً به عنوان مبنای اندازمگیری زمان استفاده می‌شود. نمی‌گوید که کودک قطعاً به دنیا خواهد آمد، بلکه می‌گوید اگر قرار باشد به دنیا بیاید. به نظر من این دو متن را به هم پیوند می‌دهد. در فصل بعدی واضح است، زیرا در آنجا یک تشابه وجود دارد.

بیابید ادامه دهیم. این یک مسئله تفسیری دشوار است و اشعیا 7: 17-25 نتایج اتحاد آحاز با آشور

می‌توانید بیشتر در مورد آن فکر کنید و به نتیجه خودتان برسید. در فصل ۷، آیات ۱۷ تا ۲۵؛ نتایج نقشه، آحاز را خواهید یافت. به یاد داشته باشید، نقشه آحاز این بود که برای رفع این تهدید از افرایم و سوریه با آشور متحد شود. کاری که اشعیا در آیات ۱۷ تا ۲۵ انجام می‌دهد، توصیف تأثیر نهایی تکیه آحاز بر خداوند بر تو و بر قوم تو و بر خاندان پدرت زمانی را که از «پادشاه آشور است. به آیه ۱۷ توجه کنید او با «. زمان جدایی افرایم از یهودا بی‌سابقه بوده است، خواهد آورد - او پادشاه آشور را خواهد آورد این فرض که همه چیز آرام خواهد بود، اتحادی برقرار کرد. اما خداوند می‌گوید که پادشاه آشور بر تو در آن روز، خداوند برای مگس‌ها از نهرهای دور مصر و زنبورها از سرزمین «. نازل خواهد شد آشور صفیر خواهد زد. همه آنها خواهند آمد و در دره‌های شیب‌دار و شکاف‌های صخره‌ها، روی همه بوته‌های خار و کنار همه آبشخورها ساکن خواهند شد [به عبارت اینجا توجه کنید]. در آن روز، خداوند با تیغی که از آن سوی رودخانه اجیر شده است - پادشاه آشور - سر و موی پاهای شما را خواهد تراشید و «ریش‌های شما را نیز خواهد کند».

بنابراین خداوند از طریق اشعیا می‌گوید که خداوند با تیغی که اجیر شده است، ریش خواهد تراشید. تیغی که اجیر شده است، آشور است. آشور توسط آحاز استخدام شد تا سوریه و اسرائیل (یا افرایم) را اصلاح کند. آنچه اشعیا می‌گوید این است که آشور خواهد آمد و شما را نیز اصلاح خواهد کرد. خداوند با تیغی که اجیر شده است، ریش خواهد تراشید «یعنی توسط کسانی که در آن سوی رودخانه» «سر و موی پاهایتان را بتراشید و ریش‌هایتان را نیز بکنید. در آن روز» هستند؛ یعنی پادشاه آشور مردی یک گاو جوان و دو بز را زنده نگه خواهد داشت. و به دلیل فراوانی شیری که می‌دهند، کشک برای خوردن خواهد داشت. همه کسانی که در زمین باقی می‌مانند، کشک و عسل خواهند خورد. در آن روز، در هر جایی که هزار تاک به ارزش هزار مثقال نقره وجود داشته باشد، فقط خار و خس خواهد بود. مردم با تیر و کمان به آنجا خواهند رفت، زیرا زمین پوشیده از خار و خس خواهد بود. در مورد تمام تپه‌هایی که زمانی با بیل کشت می‌شدند، دیگر از ترس خار و خس به آنجا نخواهید رفت. آنها به شرایط، مکان‌هایی تبدیل می‌شوند که گاوها را می‌شوند و گوسفندان در آنجا می‌دوند «به عبارت دیگر به گونه‌ای خواهد بود که کشاورزی به دلیل کمبود کشت آسیب خواهد دید. تاکستان‌ها نابود می‌شوند و فضای چراگاهی پدیدار می‌شود که نیاز به توجه کشاورزی زیادی ندارد. این ویرانی‌ای خواهد بود که بر زمین وارد خواهد شد. عامل این ویرانی، آشور خواهد بود. این همان کشوری است که آحاز برای رهایی خود از پادشاهی شمالی و سوریه به آن اعتماد کرده است.

، اکنون ، نتیجه این اتحادی که آحاز با آشوریان برقرار کرد، در زمان حزقیا ارتباط با اشعیا ۳۶
پسرس، اتفاق می‌افتد. وقوع این اتحاد به تفصیل در فصل‌های ۳۶ تا ۳۹ اشعیا شرح داده شده است. این

همان بخش تاریخی است که بین دو بخش اصلی کتاب تقسیم می‌شود. در زمان حزقیا، سنحاریب، پسر آحاز، به اورشلیم حمله می‌کند و اورشلیم را محاصره می‌کند. به طوری که حزقیا آنچه را که آحاز کاشته است، درو می‌کند.

نکته جالب این است که اگر به فصل ۳۶، آیه ۲، در زمان حزقیا، پسر آحاز، نگاه کنید، زمانی و پادشاه آشور، ریشاکی را با لشکری «که سنحاریب اورشلیم را تهدید می‌کند، در آیه ۲ می‌خوانید عظیم از لاکیش به اورشلیم نزد حزقیا پادشاه فرستاد «به عبارت آخر توجه کنید». و او کنار مجرای برکه بالایی در جاده مزرعه گازر ایستاد «آن مکان را از قبل به خاطر بیاورید. به اشعیا ۷، آیه ۳ برگردید»: «آنگاه خداوند به اشعیا گفت: اکنون برای استقبال از آحاز، تو و پسر تشاریاشوب، در انتهای مجرای برکه بالایی در جاده مزرعه گازر، بیرون بروید «به عبارت دیگر، درست در همان جایی که اشعیا با آحاز روبرو شده بود و به او گفته بود که به خداوند توکل کند و در خداوند امنیت و اطمینان پیدا کند، این تهدید علیه شما موفقیت‌آمیز نخواهد بود. آحاز به وضوح نمی‌خواست به خداوند اعتماد کند. در عوض، او به آشور اعتماد کرد و با آشور متحد شد. درست در همان نقطه‌ای که اشعیا آن روز به او هشدار داده بود، پیام‌آور آشور اکنون ایستاده و یک نسل بعد، حزقیا را به تسلیم فرا می‌خواند. بنابراین این نتیجه نهایی رفتار آحاز در جنگ

بیاید به سوره و افرایم است. اشعیا ۸: ۱-۴ پسر اشعیا، ماهر-شعله-حاش-باز -- طومار را می‌نویسد فصل ۸ برویم. ما هنوز در این بخش از «کتاب عمانوئیل» هستیم. به نظر می‌رسد که پیشینه تاریخی در خداوند به «فصل ۸ و آموزه‌های کلی فصل ۸ بسیار شبیه به فصل ۷ است. آیات ۱ تا ۴ چنین می‌گویند من گفت: طوماری بزرگ بردار و با قلم معمولی بر آن بنویس: ماهر-شعله-حاش-باز. و من اورپای کاهن و زکریا پسر بیرکیا را به عنوان شاهدان قابل اعتماد برای خود فرا خواهم خواند «سپس نزد آن نبیه رفتم و او باردار شد و پسری به دنیا آورد. آنگاه خداوند به من گفت: «نام او را ماهر-شلال-حاش-باز بگذار. پیش از آنکه پسر بتواند بگوید «پدر من «یا» مادر من»، ثروت دمشق و غنایم سامره توسط (NIV) «پادشاه آشور به یغما خواهد رفت

به اشعیا گفته شده است که در مورد ماهر-شلال-حاش-باز بنویسد. شاه جیمز آن را به عنوان یک یادداشت متنی دارد که NIV نیز همین کار را می‌کند، اگرچه NIV یک اسم خاص ترجمه می‌کند می‌گوید ماهر-شلال-حاش-باز به معنای «سریع به غارت، سریع به غارت» است. من فکر می‌کنم در مورد اینکه آیا اصلاً باید در آن مثال اول به عنوان یک اسم خاص ترجمه شود، جای سوال دارد. واضح است که این یک اسم نمادین است، معنی آن «سریع به غارت، سریع به غارت» است. بنابراین طومار بزرگ را بردارید و با قلم روی آن بنویسید: «سریع به غارت، سریع به غارت». «انگلیسی در آنجا به نام

ماهر-شلال-حش-باز فقط به صورت نویسه‌ای نوشته شده است. اکنون به نظر می‌رسد که نمادگرایی نام سریع به غارت، سریع به غارت «این است که عذاب برای دو پادشاهی اسرائیل و سوریه در راه است» همانطور که در آیه چهارم گفته شده است، «ثروت دمشق و غنایم سامره را پادشاه آشور به یغما خواهد برد.» نابودی به سوی آنها و در نهایت به سوی یهودا نیز در پیش است.

همان واژگانی که در آیه مربوط به یهودا در اشعیا ۵: ۱۰ و ۶ به کار رفته است، در اینجا نیز وای بر آشوری، عصای خشم من، که چماق خشم من در دست اوست! من او را علیه ملتی «آمده است بی‌خدا می‌فرستم؛ من او را علیه قومی که مرا خشمگین می‌کنند، می‌فرستم تا غنیمت را به غنیمت بگیرد و بنابراین، ویرانی به دست آشوریان بر پادشاهی «. غارت کند و آنها را مانند گل در کوچه‌ها پایمال کند شمالی، بر سوریه و در نهایت بر یهودا نازل می‌شود. بنابراین این نام، «به سوی غارت بشتاب، به سوی غارت بشتاب کن» است.

سپس نشانه ای داده می‌شود که بسیار شبیه به نشانه اشعیا ۷: ۱۴ تا ۱۶ است، اگرچه دوره زمانی در اینجا کوتاه تر است. «قبل از اینکه کودک بتواند بگوید 'پدرم یا مادرم' «این یکی از اولین کلماتی است که یک کودک بر زبان می‌آورد. در اینجا کودک متولد می‌شود و به وضوح از باکره متولد نشده است»: من به نبیه نزدیک شدم و او باردار شد «بنابراین به نظر من کودک اینجا نمی‌تواند همان کودک در فصل ۷ باشد. نام‌ها متفاوت هستند، مادران متفاوت هستند. اشعیا ۷: ۱۴ به وضوح مسیحایی است. اما آنچه از نظر تاریخی می‌یابید جنگ سوریه و افرایم در ۷۳۴ قبل از میلاد است. سقوط دمشق دو سال پس از آن تهدید اتفاق افتاد. دمشق در ۷۳۲ قبل از میلاد سقوط کرد.

یانگ می‌گوید: «پیشگویی تولد پسر اشعیا می‌تواند به عنوان تعهد یا پیمانی برای پسر باکره تأیید شود.» این مشابه چیزی است که بولاک گفته است. یانگ می‌گوید دو شخصیت بزرگ در راهند، اول برای قوم خدا - عمانوئیل، که نجات را به ارمغان خواهد آورد - و دوم برای آحاز و پیروانش - آشور و ویرانی آن.

خداوند دوباره با من سخن گفت: زیرا این قوم «: این را در آیه پنجم و آیه‌های بعدی می‌بینید «. آب‌های آرام شیلوه را رد کرده‌اند و از رصین و پسر رملیا شادمان هستند

اشعیا ۵: ۸-۸ آب‌های شیلوه

حال، آنچه من فکر می‌کنم این است که این مردم از آب‌های شیلوه که به آرامی جاری می‌شوند امتناع می‌کنند و از رزین و پسر رملیا شادی می‌کنند؛ به عبارت دیگر، آنها از شکست خود شادمان بنابراین، خداوند در شرف آن است که آب‌های عظیم رودخانه - پادشاه آشور را با تمام «. می‌شوند شکوهش - بر آنها نازل کند. این آب‌ها از تمام کانال‌های سرریز می‌شوند، از تمام کناره‌های عبور

می‌کنند و به یهودا می‌رسند، بر آن می‌چرخند، از آن عبور می‌کنند و تا گردن می‌رسند. بال‌های گشوده‌اش بنابراین، اشعیا فصل ۸، آیات ۵-۸، نتایج را «!وسعت سرزمین تو را خواهد پوشاند، ای عمانوئیل دوباره در اتحاد آحاز با آشور با وابستگی انحصاری به پادشاه آنجا نشان می‌دهد». از آنجا که مردم به خداوند اعتماد نخواهند کرد «که نماد آن آب‌های شیلوا است، از آنجا که آنها به خداوند اعتماد نخواهند کرد، مردم از آب‌های شیلوا امتناع می‌کنند. از آنجایی که آنها از اعتماد به خداوند امتناع می‌کنند، خداوند رودخانه‌ای عظیم بر آنها خواهد آورد که سرزمین را غرقاب خواهد کرد و آن رودخانه عظیم آشور است اما پایان آیه ۸ قابل توجه است زیرا آن رودخانه گویی سرزمین را غرق خواهد کرد. از کناره‌ها و کانال‌های آن عبور خواهد کرد و تا گردنه بالا خواهد رفت. اما قرار نیست زمین را کاملاً غرق کند و تمام کانال‌های خود سرریز کاملاً موفق شود. دلیل این امر این است که آنجا سرزمین عمانوئیل است». از خواهد شد، از تمام کناره‌های آن عبور خواهد کرد و به یهودا خواهد رسید، بر آن خواهد چرخید، از آن عبور خواهد کرد و تا گردنه بالا خواهد رفت. بال‌های گشوده‌اش وسعت سرزمین تو را خواهد پوشاند، ای در نهایت، اینجا سرزمین آحاز نیست، بلکه سرزمین عمانوئیل است و به همین دلیل، پادشاه «. عمانوئیل آشور واقعاً قادر به انجام هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، یعنی نابودی کامل یهودا، نیست. او اجازه انجام این کار را ندارد. او فقط می‌تواند تا جایی که خداوند به او اجازه می‌دهد، پیش برود. او در حال انجام اهدافی است که خداوند از او می‌خواهد. این شامل ریشه‌کن کردن سرزمین یهودا نمی‌شود.

اشعیا ۹: ۸-۱۰ آشور، سوریه و افرایم در تصرف یهودا موفق نخواهند شد.

فصل ۸، آیات ۹ و ۱۰، نشان می‌دهد که ملت‌های آشور، سوریه و افرایم موفق به تصرف یهودا ای ملت‌ها، فریاد جنگ سر دهید و در هم بشکنید! ای سرزمین‌های» :نخواهند شد. در آیه ۹ می‌خوانید دوردست، گوش دهید. برای نبرد آماده شوید و در هم بشکنید! استراتژی خود را تدبیر کنید، اما خنثی یانگ می‌گوید «. خواهد شد. نقشه خود را مطرح کنید، اما پابرجا نخواهد ماند، زیرا خدا با ماست همانطور که پیش از این، واقعیت عذاب قریب‌الوقوع به طور نمادین به نام فرزند اشعیا، ماهر-شلال-، حاش-بز، بیان شده بود، در اینجا نیز این واقعیت که رهایی به طور نمادین در فرزند باکره، عمانوئیل بیان می‌شود، بیان می‌شود. این سرزمین عمانوئیل است، بنابراین آشور فقط می‌تواند تا جایی که خدا اجازه می‌دهد، پیش برود. این یک حذف کامل نخواهد بود. باز هم، این پیش‌بینی به وضوح در زمان حزقیال در بخش دوم کتاب - اشعیا ۳۶-۳۹ - تحقق می‌یابد. آشوریان آماده‌اند تا اورشلیم را تصرف کنند، اما خداوند مداخله می‌کند و طاعونی بر سنحاریب نازل می‌کند. اگرچه وقایع‌نامه‌های آشوری می‌گویند که او حزقیال را مانند پرنده‌ای در قفس «محبوس کرد، اما اورشلیم را تصرف نکرد».

اشعیا ۱۱:۸-۲۲ سخنان پندآمیز

بسیار خوب، فصل ۸، آیات ۱۱ تا ۲۲، کلماتی نصیحت‌آمیز برای بنی اسرائیل با توجه به شرایط فعلی هستند. من قصد ندارم وقت زیادی را صرف آن آیات کنم، اما بیابید چند مورد از آنها را بخوانیم. خداوند متعال کسی است که باید او را مقدس بدانید. او کسی است که باید از او «فصل ۸، آیات ۱۳-۱۴ بترسید، او کسی است که باید از او بترسید، و او پناهگاه خواهد بود. اما برای هر دو خاندان اسرائیل، او این چه «سنگی خواهد بود که باعث لغزش مردم می‌شود و صخره‌ای که آنها را به زمین می‌اندازد ترسی است؟ ترس از خداوند»: خداوند را تقدیس کنید، بگذارید او ترس شما باشد، بگذارید او وحشت «شما باشد».

وقتی مردم به شما می‌گویند که با احضارکنندگان ارواح و «فصل ۸، آیات ۱۹ و ۲۰ جادوگران مشورت کنید، کسانی که زمزمه می‌کنند و غرغر می‌کنند، آیا نباید قوم از خدای خود بپرسند؟ چرا باید از مردگان به جای زندگان مشورت کرد؟ به شریعت و شهادت! اگر مطابق این کلام سخن بنابراین، اینها سخنان نصیحت‌آمیز با توجه به شرایط فعلی هستند.» نگویید، نور سپیده دم ندارند.

بیابید ده دقیقه استراحت کنیم، سپس به سراغ اشعیا فصل ۹ می‌رویم. از فصل ۸ آیه ۲۱، مستقیماً به فصل ۹ و پیشگویی مسیحایی در آنجا می‌رسیم.

رونویسی توسط کلبی اسپوزیتو و تد هیلدبرانت
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس